

حرف درشت

مسئله ناموسی فوتبال و سیاست



پوریا عالمی

● از ما پرسیدند چرا این‌طوری شد و همه از جمله حسن‌آقای خمینی و احمد‌آقای مسجد‌جامعی و... از دوران شهرداری آقای قالیباف تقدیر و تشکر کردند؟ ما می‌گوییم پسر چیزهایی هست که تو نمی‌دانی.

درواقع این‌طوری است که اگر همین دلاوران قبل از انتخابات همین تقدیر را از آقای قالیباف کرده بودند، کار به آنجا نمی‌رسید که آقای قالیباف و آقای روحانی در مناظره از خجالت هم دربیایند. بعد تکلیف مردم هم روشن می‌شد و رأیشان را نصف می‌کردند که نه این ناراحت بشود، نه آن. والا این سیاست‌مدارهای ما یک کاری می‌کنند که ما نمی‌دانیم چه‌کار کنیم؛ مثلاً ممدآقا، بقال سر کوچه که قسم خورده بود رأی نمی‌دهد و وقتی ادله ما و مناظرات را دید مطمئن شد باید رأی بدهد، دیروز از ما پرسید تو با قالیباف پدرکشتگی داری؟ گفتم نه به جان پدر جفتمان. گفت پس چرا این‌طوری زیرآب قالیباف را دم انتخابات زدی؟ گفتم والا من هم عین شما. من اگر می‌دانستم قالیباف چنین کارنامه روشنی دارد که حسن‌آقای خمینی و احمد‌آقای مسجد‌جامعی با بغض درباره کارنامه‌اش حرف می‌زنند غلط می‌کردم بگویم به روحانی رأی بدهی، چون که خودم در آن صورت می‌رقم به میرسلیم رأی می‌دادم، چراکه میرسلیم ثابت کرد از همه بیشتر مرد حرف است.

علاوه‌براین‌ها برای مردم سؤال شده پس آن املاک نجومی و بدهی‌ها و حقوق‌های نجومی که می‌گفتند، هم دولت، هم شهرداری و هم شورای شهر هپلی هپو کرده، چه بود و چرا مطرح شد و نتیجه آن پرونده‌ها چه شد؟

جواب ما روشن است. توی فوتبال هم قبل از بازی، بازیکنان و مربی‌ها جلو دوربین برای هم کری می‌خوانند، اما شب و دور از چشم دوربین با هم می‌بارتی‌اند؛ یعنی بارتی می‌کنند. طفلکی ما هستیم که با پرسپولیس و استقلال ناموسی برخورد می‌کنیم و سر همین قضایای ناموسی سسکته می‌کنیم. آنها خودشان اتفاقاً خیلی کول هستند و حتی نمی‌فهمند ما سر برد و باخت آنها زندگی‌مان را می‌بازیم.

# شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۶ • ۲۸ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۲۸ آگوست ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۴۸ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۶ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

جریمه در انتظار رانندگانی که روی خودرو شعر می‌نویسند



آکادمی

جذابیت‌های قصور پزشکی



علیرضا مقدسی  
فوق‌تخصص قریه

به‌تازگی ناپردی خواننده‌ای در خلال نزاع به قتل رسیده و در روزهای گذشته این‌ خواننده به اتهام قتل بازداشت شده است. خنده‌آور اینکه وکیل این پرونده ادعای قصور پزشکی در جریان این قتل دارد. اینکه چرا قصور پزشکی درمان هر مشکل و معضلی حتی قتل شده است، از شوخی‌های روزگار ماست که اتفاقاً خوب هم جواب می‌دهد. حداقل

در چند سال گذشته هر آنکه شهرت و معروفیتی داشته تمام مشکلات بیماری‌اش را به گردن قصور پزشکی انداخته است. وقتی فردی توصیه پزشکان معالج را نادیده می‌گیرد و برخلاف توصیه‌ها، پدرش را به خارج از کشور می‌برد و در آنجا به دلیل خون‌ریزی مغزی ناشی از تزریق هیارین با دوز بالا باعث فوت وی می‌شود، چه چیزی بهتر از قصور پزشکی می‌تواند با مکانیسم‌های دفاعی فراقنی و واکنش‌سازی باعث کاهش آلام درونی وجدان فرد شود. چه بهانه‌ای بهتر از قصور پزشکی می‌تواند یک سال عرصه رسانه‌ها را فتح کند که از بزرگی غوغای رسانه‌ای فرد به آرامش کاذب درونی برسد و بنیان کجی بگذارد که حتی قاتلان هم به آن دخیل بپندند. زمانی که فردی به هر دلیل و ناگهانی فوت می‌کند، اولین سؤال این است وی چرا فوت کرده است. اگر این فرد معروف و مشهور باشد دایره این چرایی از خانواده و خویشاوند به رسانه می‌رسد، برخی مرگ‌ها برای خانواده بازمانده مرگ‌های بسیار غم‌انگیزی هستند. هم به دلیل فقدان آن عزیز و هم به دلیل آنکه علت مرگ ناشی از مواردی باشد که در جامعه قبح داشته یا ناشی از بی‌مسئولیتی افراد خانواده در پیگیری وضعیت طبی فرد از دست‌رفته باشد. مرگ ناشی از خودکشی، مرگ ناشی از قتل، مرگ ناشی از مسمومیت با الکل یا مصرف مواد مخدر و روان‌گردان از این دسته‌اند. مرگ‌های ناشی از غفلت خانواده در درمان فرد نیز این‌گونه‌اند.

واضح است قصور پزشکی امکان وقوع دارد، ولی بررسی آن با کارشناسان پزشکی قانونی و نظام‌پزشکی است نه فضای مجازی و رسانه‌های زرد. پزشکی امروز می‌کوشد درمان بسیاری از مشکلات جسمی و روحی را انجام دهد. در بسیاری از آنها موفق است در برخی دیگر ناموفق. باید دانست که به نتیجه‌نرسیدن اقدامات درمانی، وجود عوارض جراحی یا دارویی به معنی قصور نیست. هر روش درمانی درصدی موفقیت، درصدی شکست و درصدی عارضه دارد و در هیچ کتاب پزشکی روش درمانی وجود ندارد که درصد شکست یا عوارض آن صفر باشد. اکنون قصور پزشکی که قبل از بررسی‌های کارشناسی مطرح می‌شود، تبدیل به برجسی برای فراقنی علت مرگ و پوشاندن علت اصلی مرگ، پنهان‌کردن غفلت بیمار یا خانواده در درمان بیماری و آدرس نادرست برای مرگی که به‌زعم بازماندگان قبح دارد، شده است. برجسب لوکسی که از اختراعات نازیبا جامعه ماست.

سلام به فردا

## تحصیل، حق کودکان افغانستان است



مرضیه برومند

دفاع از حقوق کودکان افغانستانی زیر سؤال رفت و در اذهان مردم افغانستان که درآورد شاهد حضور هم‌وطنانشان در ایران هستند، با سوءبرداشت‌هایی همراه شد. به‌همین‌خاطر است که از سال گذشته، مردم به‌صورت خودجوش یا از طریق نهادهای غیردولتی دست به کار می‌شوند تا در شهرزورماه زمینه را برای آگاه‌سازی کودکان افغانستان درباره مدرسه و ثبت‌نام و... فراهم کنند. از آن طرف دولت هم بی‌کار نیست. چند سال پیش دولت با تصویب آیین‌نامه آموزش اتباع خارجی، موضوع درس و مدرسه و تحصیل را برای کودکان مهاجری که از افغانستان به ایران آمده‌اند راحت‌تر کرد.

اما اهمیت تلاش‌های مردمی در این زمینه موضوع دیگری است. درست است این آیین‌نامه تصویب شده و شرایط اجرایی‌شدن آن فراهم شده است اما نیاز به تبلیغ و معرفی دارد؛ نیاز به این دارد که بچه‌های افغانستانی از آن مطلع شوند. این کودکان که عموماً شرایط زندگی‌شان آن‌چنان نیست که از چنین اخباری اطلاع پیدا کنند، باید از سوی مردم و با همین پیام‌های ساده از رسیدن موعد ثبت‌نام در سال تحصیلی جدید خبردار شوند و احیاناً اگر مشکلی برای ثبت‌نام دارند، تا

دفاع از حقوق کودکان افغانستانی زیر سؤال رفت و در اذهان مردم افغانستان که درآورد شاهد حضور هم‌وطنانشان در ایران هستند، با سوءبرداشت‌هایی همراه شد. به‌همین‌خاطر است که از سال گذشته، مردم به‌صورت خودجوش یا از طریق نهادهای غیردولتی دست به کار می‌شوند تا در شهرزورماه زمینه را برای آگاه‌سازی کودکان افغانستان درباره مدرسه و ثبت‌نام و... فراهم کنند. از آن طرف دولت هم بی‌کار نیست. چند سال پیش دولت با تصویب آیین‌نامه آموزش اتباع خارجی، موضوع درس و مدرسه و تحصیل را برای کودکان مهاجری که از افغانستان به ایران آمده‌اند راحت‌تر کرد.

اما اهمیت تلاش‌های مردمی در این زمینه موضوع دیگری است. درست است این آیین‌نامه تصویب شده و شرایط اجرایی‌شدن آن فراهم شده است اما نیاز به تبلیغ و معرفی دارد؛ نیاز به این دارد که بچه‌های افغانستانی از آن مطلع شوند. این کودکان که عموماً شرایط زندگی‌شان آن‌چنان نیست که از چنین اخباری اطلاع پیدا کنند، باید از سوی مردم و با همین پیام‌های ساده از رسیدن موعد ثبت‌نام در سال تحصیلی جدید خبردار شوند و احیاناً اگر مشکلی برای ثبت‌نام دارند، تا

هشتک ژن خوب همچنان پرطرفدار است، خصوصاً آنکه بعد از رأی اعتماد به کابینه دوازدهم، اخبار مختلفی درباره انتصاب مدیران و شهرداران کشور به گوش می‌رسد که بیشتر به خاطر داشتن پدران سیاسی، مسئول و حتی دولتمرد است تا توانایی‌های فردی. به بهانه برخی از همین انتصاب‌ها با عباس عبدی، فعال سیاسی، به گفت‌وگو نشستیم:

■ چرا ژن خوب به عنوان یک اصطلاح به ادبیات امروز مردم راه یافته؟ آیا حساسیت‌های مردم نسبت به اختلاف طبقاتی منجر به این اتفاق شده است یا غیرقابل دسترس بودن کسب برخی مدیریت‌ها برای مردم عادی؟

به‌طورکلی چنین مباحثی نه‌فقط در سطح کشور ما، بلکه در سطح دنیا نیز هنوز جذابیت‌های خاص خود را دارد و حساسیت‌هایی به دنبال طرح آن در جامعه ایجاد می‌شود. نمونه‌اش سخنانی است که جیمز دمور، کارشناس ارشد گوگل، درباره تفاوت‌های طبیعی نیروهای فعال در این شرکت اظهار کرده و آن را در قالب تفاوت میان سفیدپوست و سیاه‌پوست و زن و مرد در استخدام گوگل بیان کرد و به این پرسش پاسخ داد که چرا گوگل بیشتر کارکنانش را از میان مردان سفیدپوست انتخاب می‌کند که در نهایت به اعتراض گسترده و به اخراج این کارشناس از فضای کاری‌اش منجر شد و نشانه‌ای است بر اینکه چنین حساسیت‌هایی درباره این موضوعات در هر جامعه‌ای وجود دارد. از سوی دیگر، فارغ از اینکه چنین حساسیتی که ریشه در بحث‌های تاریخی نژادی، ژنتیکی و قومی و قبیله‌ای دارد، چقدر درست یا غلط است، مهم این است که این مباحث، به عاملی برای توجیه سلطه و امتیازطلبی بدل شده بیش از اینکه

مطلبی واقعی باشند. بنابراین افرادی که با استناد به چنین موضوعاتی، از داشتن ژن خوب برای رسیدن به جایگاه بالاتری بهره می‌برند، درواقع راه نادرست را پیش می‌گیرند. این درست نیست که بگوییم چون من دارای ژن خوب یا ژن برتر هستم، این حق را دارم که به مراتب بالاتری بروم چراکه در نظر جامعه، ژن خوب، عامل تأثیرگذار نیست و اگر هم باشد باید به آثار این ژن استناد شود که آیا توانسته در فرد شایستگی احراز چنین پستی را ایجاد کند یا نه؟

■ به‌عنوان یک فعال در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، فکر می‌کنید ژن

نقد عباس عبدی بر نقش ژن خوب در انتصاب مدیران:

## وابستگی‌های ژنی در ایران شدید است

خوب (وابستگی قومی و قبیله‌ای و خانوادگی) در مدیریت کشور، چه آسیب‌هایی به روند رشد و توسعه وارد می‌کند؟

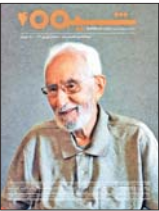
به نظر می‌رسد واکنش‌ها و حساسیت‌هایی که چنین اظهاراتی در جامعه به وجود می‌آورد، به این خاطر است که نوعی تبعیض و نابرابری را توجیه می‌کنند. اما نباید این نکته را نادیده گرفت که در واقع، بیش از اینکه حساسیت نسبت به ژن خوب مسئله‌ای مربوط به اختلاف طبقاتی باشد، ناشی از تبعیض و درواقع بسته‌بودن سیستم قدرت در ایران است که مشکل‌آفرین شده. به اعتقاد من رسیدن فرزندان مقامات به مناصب بالاتر مشکلی ندارد اما نباید در این‌ راه از رانت پدرباشان استفاده کنند. شاید غیرقابل قبول باشد که یک مسئول، پنج بچه داشته باشد که همه از ژن برتر برخوردارند و توانسته‌اند به چنین جایگاه‌هایی برسند. با این حساب، ضمن اینکه باید با چنین ایده‌هایی مخالفت کرد، نباید منکر این واقعیت شد که برخی از همین افراد هم به دلیل توانایی‌ها، کوشش‌ها و دلایل شبیه به این، شایسته ارتقا بوده‌اند و ارتقا یافته‌اند. اگر نمی‌پذیریم داشتن پدر سیاسی، موجب رانت می‌شود، نباید بپذیریم فردی به دلیل داشتن پدر سیاسی از ارتقا باز بماند درحالی‌که ظرفیت و توانمندی لازم را داشته است.

■ دولت چطور می‌تواند خود را از این اتهام

مبرا کند؟

متأسفانه وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای و حتی خانوادگی در ایران شدید است. اما این به آن معنا نیست که فقط در طبقات پایین جامعه شاهد چنین رفتارهایی هستیم. اخیراً جمععی از افراد تحصیل‌کرده از وزارت یک وزیر دفاع می‌کردند و جالب بود که بخش زیادی از استدلال‌های این دفاع، استدلال‌های قومی و قبیله‌ای بود. درست است که چنین وابستگی‌ها و گرایش‌هایی کم‌وبیش در میان همه اقشار جامعه وجود دارد، اما واقعیت این است که در سال‌های اخیر بسیار شدیدتر شده، درحالی‌که در ابتدای انقلاب، چنین رفتارهایی به نسبت محدود و غیرقابل مشاهده بود و البته این دولت هم از این نظر کم‌وکسری‌ای نسبت به دولت‌های قبل ندارد! متأسفانه برخی از مسئولان اقوام و برادران یا پسران‌شان را به تصدی‌هایی آورده‌اند که بعید است صلاحیت آن را داشته باشند چراکه برای رسیدن به این پست‌ها، اطلاعات کارشناسی و دانش و مهارتی لازم است که آنان به‌روشنی فاقد آن هستند.

پیشخوان



چهارمین شماره دومانه‌نامه تخصصی «شیوه» به سبک‌وسایق سه شماره پیش منتشر شد. جلد هر شماره این نشریه به چهره‌ای در حوزه فرهنگ و هنر کشور اختصاص دارد و این شماره با عکس آزاده حسین‌مردی، روایتی است از سال‌های زندگی و کار دکتر محمدعلی موحد. این نشریه به بهانه انتشار کتاب شاهد عهد شباب، به همنشینی دکتر محمد دهقانی، استاد و پژوهشگر تاریخ ادبیات، با محمدعلی موحد پرداخته است. از دیگر بخش‌های خواندنی این شماره «شیوه»، پرونده مفصلی است درباره فریدون رهنما. او

چهره‌ای متفاوت در تاریخ معاصر ایران قلمداد می‌شود؛ مردی که بیشتر از نوشتن و سرودن و فیلم‌ساختن، به کشف استعداد‌های هنری و ادبی شهره است تا جایی که حتی شاملو نیز در یکی از کتاب‌های خود، به تأثیر فریدون رهنما بر هنر و ادبیات نسل خود اشاره‌ای مستقیم می‌کند. از دیگر خواندنی‌های این شماره، گفت‌وگوهایی با امیررضا کوهستانی و رویین پاکباز است. پاکباز از هنر معاصر ایران و تاریخ آن می‌گوید؛ تاریخی ناشنیدنی از خلیفات هنرمندان آثاری که در آتلیه‌ها خلق می‌شدند.

## هفته دولت را گرامی می‌داریم

روابط عمومی

www.tejaratbank.ir